

فهرست



۷	مصاحبه‌ها
۸	استفن ردفر
۱۲	جوزف مالیا
۲۶	لری مک‌گرافی و سیندا گرگوری
۳۹	داستان‌های واقعی
۸۳	به جای مؤخره
۹۹	مؤخره ۲

در آن زمان خودتان هم شعر می‌گفتید؟

بله. اما مثل اغلب جوان‌ها نمی‌دانستم دارم چه می‌کنم. جاه‌طلبی آدم در آن سن و سال خیلی زیاد است، اما همیشه که نمی‌توان آن را برآورده کرد. این مسئله باعث سرخوردگی و حس عمیق نقص داشتن می‌شود. در آن سال‌ها کوشش کردم تا راه خود را پیدا کنم و فهمیدم که ترجمه تمرین بسیار خوبی است. پاوند ترجمه را به شاعران جوان توصیه می‌کند و به نظر من، او درک عمیقی از این مورد داشته است. آدم باید کم‌کم شروع کند. ترجمه این امکان را فراهم می‌کند که روی چند و چون زبان خود کار کنی، بیاموزی که چه طور با کلمات آشنا شوی تا بهتر کار خود را درک کنی. این فایده‌ی ترجمه است، اما عیبی هم دارد. ترجمه آدم را در تألیف تنبل می‌کند. لازم نیست فوق‌العاده باشی و ایده‌های اصیل داشته باشی، لازم نیست دست به کارهایی بزنی که سرآخر می‌فهمی از تو ساخته نیست. یاد می‌گیری در نوشتن چه طور راحت باشی و احتمالاً این مسئله از هر چیز دیگری برای یک نویسنده‌ی جوان مهم‌تر است. خود را در خدمت اثر فرد دیگری می‌گذاری - کسی که حتماً از تو موفق‌تر است - و عمیق‌تر و هوشیارانه‌تر از پیش می‌خوانی. تجزیه و تحلیل جدی شعر موضوع مهمی است، اما تجربه‌ی ترجمه هم با هیچ چیز دیگر جایگزین شدن نیست. یک شاعر جوان با ترجمه‌ی غزل‌های ریلکه بیش‌تر اشعار او را درک می‌کند تا این‌که مقاله‌ای تحلیلی درباره‌اش بنویسد.

ترجمه روی نویسندگی فعلی شما چه تأثیری دارد؟

در این موقعیت تقریباً اصلاً تأثیری ندارد. اوایل جای خاصی در ذهنم داشت اما رفته رفته حاشیه‌ای‌تر شد. ترجمه‌های اولیه‌ام از شعرای مدرن

مصاحبه با استفن رَدفر

از کی ترجمه را شروع کردید؟

از وقتی نوزده بیست ساله و دانشجوی دوره‌ی کارشناسی دانشگاه کلمبیا بودم. در کلاس‌های فرانسه اشعار بسیاری به ما می‌دادند که بخوانیم؛ بودلر، رمبو، ورلن، و به نظر من فوق‌العاده خوب بودند، حتی اگر مفهوم‌شان را درک نمی‌کردم. حالت ناآشنای آن‌ها برایم رعب‌آور و هیجان‌انگیز بود، گویی متنی که به زبان خارجی نوشته شده باشد واقعی نیست و فقط با برگرداندن آن‌ها به انگلیسی می‌توانستم درک‌شان کنم. آن زمان این کاری بود که دوست نداشتم کسی از آن مطلع باشد چون روشی بود برای درک آن‌چه مشغول خواندنش بودم و اصلاً قصد نداشتم ترجمه‌هایم را چاپ کنم. به گمانم می‌گویید ترجمه را شروع کردم چون خنگ بودم. من هیچ زبانی را غیر از زبان انگلیسی درک نمی‌کردم و دلم می‌خواست این آثار را بفهمم تا بتوانم آن‌ها را به دنیای درونم اضافه کنم.